روزنامه شرق

شهادت امام حسن عسکری(ع) را تسلیت می‌گوییم

یکشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴
۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۳۱ آگوست ۲۰۲۵
سال بیست‌و دوم
شماره ۵۱۹۳
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

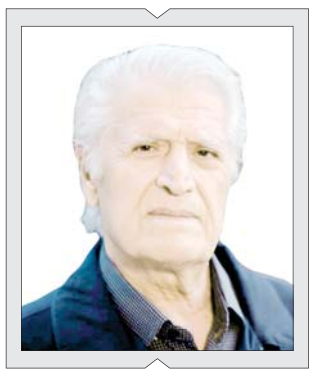

احمد پژمان معمار موسیقی درگذشت

علی رهبری: او توانایی تلفیق اندیشه ملی با زبان جهانی موسیقی را داشت

۱۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: پزشکیان در دیدار با آرمن گریگوریان دبیر شورای امنیت ارمنستان: نگرانی‌های ایران تا حد زیادی برطرف شده است • کاخ سفید ادعای فرماندار دموکرات کالیفرنیا را تکذیب کرد

واکاوی مسیر پیش‌روی تهران و غرب پیش از بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه

شمارش معکوس سیاسی

عبدالرحمن فتح‌الهی: در بحبوحه‌ای که تنها ۳۰ روز برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک باقی مانده، آینده پرونده هسته‌ای ایران در نقطه‌ای تعیین‌کننده قرار گرفته است. فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» از سوی سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) نه‌تنها سایه بازگشت خودکار تحریم‌های سازمان ملل را بر سر تهران گسترده، بلکه دیپلماسی هسته‌ای را نیز به آستانه فروپاشی کشانده است. قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که در پی برجام تصویب شد، دقیق‌ترین سازوکارهای نظارت و ضمانت اجرای توافق را در خود جای داده بود، اما حالا همان مکانیسم در حال تبدیل‌شدن به ابزاری برای مرگ توافقی است که زمانی نقطه امید جامعه بین‌الملل به کاهش تنش‌های خاورمیانه به شمار می‌رفت. در این فضای ملتهب، تحلیلگران برجسته‌ای همچون رابرت آینهورن، دیپلمات و مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای آمریکا، و کِلسی داونپورت، مدیر سیاست منع گسترش در «انجمن کنترل تسلیحات»، دو روایت متفاوت، اما مکمل از مسیر پیش‌رو ارائه کرده‌اند.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

گفت‌وگوی با محمدرضا مرعشی‌پور:

با مردم منطقه هم‌سرنوشتیم

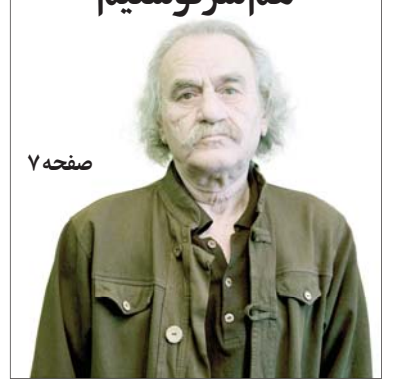

صفحه ۷

مجید جلالی در گفت‌وگو با «شرق»:

سیاست این است که پول خرج شود

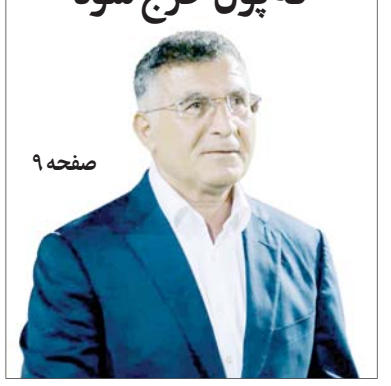

صفحه ۹

گفت‌وگوی «شرق» با پوران درخشنده، کارگردان

جامعه بی‌محابا پیش می‌رود و ما عقب می‌مانیم

این گفت‌وگو را در صفحه ۱۰ بخوانید. عکس: سهند تاکی، شرق

سرمقاله

اسنپ‌بک؛ «راه» مجلس و «راه‌حل» دولت

کیومرث اشتریان

«راه» با «راه‌حل» متفاوت است. «راه» ضرورتا به حل بحران نمی‌انجامد اما «راه‌حل» در پی گشایش است. در معضله «اسنپ‌بک» تلاش سیاست‌گذار باید اولویت «راه‌حل» بر «راه» باشد. «راه» پیشنهادی در مجلس طرح خروج از ان‌پی‌تی و ممنوعیت مذاکره است و «راه‌حل» دولت (یا وظیفه دولت) یافتن سازوکار توافقی است. این دو باید مکمل هم باشند. در اینکه اروپا در مسئله «اسنپ‌بک» فاقد اعتبار و اقتدار لازم است و اسیر اسرائیل و آمریکاست، شکی نیست. واقعا مضحکه است کشوری که عضو ان‌پی‌تی نیست، به کشوری که عضو آن است و نظارت‌ها را پذیرفته، حمله کرده و اروپا هم آن را تأیید می‌کند. آری، اما این مانع از آن نمی‌شود که ایران فعالیت‌های دیپلماتیک حداکثری را به انجام نرساند، پیشنهادهای ابتکاری ارائه نکند و از تجدید نظر در سیاست‌ها واهمه نداشته باشد. سیاست‌ها ماهیتا نسبی و اعتباری‌اند، آن را به همه ارزش‌ها و کیان نظام گره نزنید. سیاست‌ها را حیثیتی نکنید، چون هزینه‌های تصمیم حکومتی را بالا می‌برد و نمی‌توانید از تهدید فرصت بسازید.

۱- راه‌حل: سیاست خارجی هم‌راستاشدن با هوای جدال رسانه‌ای برای جلب رضایت گرایش‌های افراطی نیست؛ پیشنهادهای روشن حقوقی لازم است. یک راه‌حل ایجابی این است که سازوکار جدید منطقه‌ای برای عدم اشاعه پیشنهاد شود که می‌تواند ایران را حتی از بند باج‌خواهی قدرت‌های دوست هم برهاند. این سازوکار مبتنی بر تجربه «آژانس حسابداری و کنترل مواد هسته‌ای برزیل و آرژانتین» (ABACC) است و می‌تواند یک الگوی قابل بررسی باشد تا با حضور کشورهای منطقه (و حتی روسیه، چین و آمریکا) سازه جدیدی را برای رژیم عدم اشاعه پدید آورد. در این رویکرد، راستی‌آزمایی و کنترل براساس یک سیستم منطقه‌ای مشترک انجام و سپس در آژانس انرژی اتمی بررسی و اعتبارسنجی می‌شود.

۲- راه‌حل: ایران، طی نامه‌ای به شورای امنیت اعلام کند که براساس همان نامه تروئیکای اروپایی چارچوب مذاکراتی و حل مسئله را می‌پذیرد. آنان ادعا کرده‌اند: «ایران محدودیت‌های برجامی در زمینه اورانیوم غنی‌شده، آب سنگین و سانتریفیوژها را نقض کرده، توانایی آژانس برای انجام فعالیت‌های نظارتی و راستی‌آزمایی برجام را محدود و فرایند اجرای پروتکل الحاقی به توافق جامع نظارتی را رها کرده است». ایران بدواً و مبناناً با چنین مواردی مخالفت نداشته است. معنی دیگر این راه‌حل البته بازگشت همه طرف‌ها به همه تعهدات برجامی ازجمله تعلیق تحریم‌هاست. اگر در پی «راه‌حل» باشید، گزینه‌ها توسعه‌پذیر است.

۳- راه: ایران اعلام کند که با نخستین حمله اسرائیل یا آمریکا یا هرگونه تعرض دیگری که در پی اسنپ‌بک انجام شود، از ان‌پی‌تی خارج می‌شود و واقعا هم آن را اجرائی کند. یا اینکه در راهبرد نظامی- هسته‌ای خود تجدید نظر اساسی کند. این راه، سلبی است و به‌عنوان آخرین گزینه می‌تواند در نظر گرفته شود، نه اولین اقدام، آن‌هم پس از اینکه «راه‌حل‌ها» و ابتکارات به نتیجه نرسد.

۴- راه: هم‌زمان ایران از کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس در دادگاه بین‌المللی لاهه براساس نقض معاهدات چندجانبه مانند ان‌پی‌تی یا منشور سازمان ملل شکایت کند، چون شواهد دیپلماتیک و نظامی روشنی از حمایت مستقیم آنها از حمله آمریکا و اسرائیل وجود دارد. حمایت این کشورها از تحریم‌های آمریکا علیه ایران نقض تعهدات عدم اشاعه و حقوق بین‌الملل است. این راه محدودیت‌های خاص خود را دارد اما مانع از اقامه دعوای حقوقی نیست.

۵- سیاست داخلی، فرهنگی و قضائی نباید به گونه‌ای باشد که قشری‌ترین سلیقه‌ها و احکام قضائی را بازتاب دهد. این، بزرگ‌ترین ضربه‌ای است که بر چهره ایران در جهان وارد می‌شود و توجیهی برای افکار عمومی جهانیان برای حمله به ایران فراهم می‌آورد. هر حکم قضائی بی‌حساب یا هر سیاست فرهنگی بی‌کتاب، دامن‌دامن خاک بر سر و روی ایران می‌ریزد. متأسفانه دامنه مخرب و جهانی این خاک و خاکستر تیره‌گون هنوز در درون نظام درک نشده است. البته آرزو می‌کنم که ای کاش فقط درک نشده بود. گاهی به نظر می‌آید که درک شده اما سیستم دیگر کرخت شده و ظرفیت واکنش ندارد. یک راه مهم، دگرگونی این سیاست‌هاست.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

درس‌های تاریخی برای احیای نقش ایران در راه جدید ابریشم

محمدحسین عمادی

شناخت هر پدیده تاریخی نیازمند بازنگری دقیق در مبانی و موانع معرفت‌شناختی آن است. تاریخ بشر سرشار از پدیده‌هایی است که با گذر زمان، لایه‌های معنایی تازه‌ای یافته‌اند و برداشت‌های سطحی یا یک‌جانبه، مانع از درک صحیح آنها شده است. یکی از این پدیده‌ها، «جاده ابریشم» است؛ مسیری که بیش از ۱۷ قرن نقش مهمی در پیوند اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف ایفا کرده است. امروز که چین با ابتکار جهانی «یک کمربند - یک راه» (BRI) در پی احیای اندیشه جاده ابریشم است، شناخت عمیق و جامعی از پیشینه این مسیر بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد. زیرا هرگونه خطای ادراکی در فهم کارکرد تاریخی جاده ابریشم می‌تواند بر جایگاه کنونی کشورهایی چون ایران - که در قلب این شاهراه تاریخی قرار دارند - تأثیر منفی بگذارد. مقاله حاضر که حاصل مشاهدات میدانی و مطالعات منابع تاریخی است، با نگاهی تحلیلی به تاریخ جاده ابریشم، تلاش می‌کند باورهای رایج اما ناصحیح درباره این مسیر را بازبینی کند و نشان دهد که چگونه می‌توان از این بازنگری تاریخی شبکه راه‌های ابریشم، برای ترسیم نقشی فعال و مؤثر برای ایران در پروژه «یک کمربند - یک راه» بهره گرفت.

بازخوانی ماهیت چندبعدی جاده ابریشم

جاده ابریشم برخلاف تصور عمومی، صرفا یک مسیر تک‌بعدی تجاری برای انتقال ابریشم از چین به غرب نبوده است. این مسیر در طول حیات هفده‌قرنی خود ویژگی‌های متنوعی داشته است که شناخت آنها می‌تواند افق تازه‌ای در فهم جایگاه ایران بگشاید.

۱. چندمنظوره بودن راه ابریشم: این مسیر تاریخی نه‌تنها محل جابه‌جایی کالا، بلکه گذرگاهی برای تعاملات فرهنگی، هنری، دینی و اجتماعی میان شرق و غرب بوده است. آثار باستانی، نقش‌برجسته‌ها، سفال‌ها و دست‌نوشته‌های متعددی که در نقاط مختلف این مسیر یافت شده، نشان می‌دهد که تبادل فرهنگی به‌همان اندازه تبادلات اقتصادی اهمیت داشته است.

۲. تعاملی و دوسویه بودن: باور رایج این است که جاده ابریشم تنها برای ارسال کالا از مبدأ (چین) به مغرب‌زمین (اروپا) شکل گرفته است؛ درحالی‌که شواهد روشن تاریخی نشان می‌دهد این مسیر دوسویه عمل می‌کرده است. کالاها، اندیشه‌ها و فنون نه فقط از چین به غرب، بلکه از غرب و جنوب نیز به شرق و همه شهرهای مهم مسیر منتقل می‌شده‌اند.

۳. چندمسیره و متغیر بودن راه ابریشم: راه‌های ابریشم مسیر ثابت و واحدی نداشته است. بسته به شرایط اقلیمی، امنیتی و سیاسی، مسیرهای مختلفی برای آن شکل می‌گرفت. گاه شبکه‌ای از راه‌های متفاوت شمالی رونق داشتند و گاه مسیرهای جنوبی یا دریایی جایگزین می‌شدند.

۴. تنوع و تطور کالاها: نامی که در قرن هفدهم میلادی بر این راه تاریخی گذاشته شد این تصور را منعکس می‌کند که ابریشم تنها یا اصلی‌ترین کالای تجاری این مسیر بوده است. اما دامنه وسیعی از کالاها همچون ادویه، کاغذ، چینی‌جات، سنگ‌های قیمتی، فرش ایرانی، فلزات و دانش‌های فنی و پزشکی و حتی شیوع تفکرات و ادیان بخشی از این مبادلات بودند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

درمان بیماری کسری بودجه؛ ضروری و شدنی

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

وزیر اقتصاد در نشست اخیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با اشاره به اینکه انتشار ۸۰۰ همت اوراق بدهی در بودجه سال جاری پیش‌بینی شده است، گفت شوک‌های وارده به اقتصاد نیاز دولت به انتشار اوراق برای تأمین منابع مالی را بیشتر از این رقم کرده است. او همچنین گفت دولت به فکر کاهش برخی هزینه‌هاست، هرچند این اقدام هزینه سیاسی برای دولت در پی خواهد داشت. در این رابطه نکات زیر قابل‌تأمل هستند:

۱. اگر نیاز دولت به انتشار اوراق بدهی را در همان سطح معین‌شده در بودجه محدود کرده و به شوک‌هایی که وزیر اقتصاد از آنها سخن می‌گوید، توجه نکنیم، سهم هر شهروند از این میزان قریب به ۱۰ میلیون تومان می‌شود! همین نکته عظمت رقم نیاز مالی دولت را نشان می‌دهد. چنین حجمی از نیاز مالی هزینه‌های نجومی را به سال‌های بعد منتقل می‌کند. این بدان معنی است که برای درمان این بیماری مزمن زمان زیادی نداریم و باید هرچه سریع‌تر اقدامات درمانی آغاز شود.

۲. سال‌هاست که اقتصاد ما گرفتار آثار و تبعات نامطلوب کسری بودجه است و دولت‌ها همه‌ساله با تمهیداتی از نوع استقراض از بانک مرکزی، فروش دارایی‌های بین‌نسلی، کاستن از کیفیت و حتی کمیت خدمات رفاهی ارائه‌شده به مردم و درنهایت دست‌بردن در جیب مردم بخشی از این کسری را تأمین کرده‌اند. این تمهیدات هرچند مشکل کمبود منابع مالی دولت را حل نکرده، اما موجبات تشدید تورم و سرعت‌گرفتن رشد قیمت‌ها و درنهایت گسترش فقر را فراهم کرده است. به بیان دیگر کسری بودجه یکی از مهم‌ترین عوامل روشن نگه‌داشتن موتور تورم دورقمی در کشور است. ازاین‌رو دولت ملزم است در درجه اول راهی برای نجات از گرداب کسری بودجه بیابد و در درجه دوم، این راه باید کمترین هزینه و آثار منفی را نصیب اقتصاد ملی کند.

۳. بی‌تردید قدم اول برای اصلاح وضع موجود، اصلاح ساختار بودجه است. در این رابطه دو سؤال کلیدی باید پاسخ داده شود: آیا همه درآمدهایی که ماهیت عمومی دارند، به خزانه دولت واریز می‌شود؟ و آیا همه اقلام هزینه که به بودجه دولت تحمیل می‌شوند، واقعا مرتبط با اداره امور کشور است؟ درواقع شیوه مدیریت امور کشورمان به‌گونه‌ای است که از یک سو همه درآمدهای عمومی در اختیار دولت نیست و از سوی دیگر با مصوبات پی‌درپی مجلس هزینه‌هایی به دولت تحمیل می‌شود که تأثیری در اداره امور کشور ندارد. طبعا نتیجه این روند چیزی جز گسترش کسری بودجه نیست.

۴. در دهه‌های گذشته همه دولتمردان از فربهی بدنه دولت و آثار منفی آن بر بودجه نالیده، اما اقدامی قابل‌اعتنا برای رفع این دشواری انجام نداده‌اند. حتی در برخی مقاطع اقداماتی پوپولیستی با هدف تأثیرگذاشتن بر آرای انتخاباتی گروه‌هایی از مردم انجام شده و هزینه‌های گزافی را به بودجه عمومی تحمیل کرده است. استخدام‌های فله‌ای با اولویت‌دادن به سلیقه سیاسی افراد در سال‌های گذشته را می‌توان مصداق بارز این اقدامات دانست. اینک گفته می‌شود حدود ۹۰ درصد بودجه دولت فقط صرف پرداخت حقوق و مزایای کارکنان می‌شود. آیا این امر مصداق تبدیل‌شدن دولت به کارفرمای بزرگ نیست که اصل ۴۳ قانون اساسی آن را ممنوع می‌کند؟

۵. دولت به‌عنوان فروشنده اوراق بدهی که بخش اعظم آنها در قالب تکلیف به بانک‌ها واگذار می‌شود، در اصل بزرگ‌ترین رقیب بخش خصوصی در جذب منابع مالی و تسهیلات بانکی کشور است. زیرا همان منابعی که باید در قالب تسهیلات بانکی در اختیار بنگاه‌های تولیدی قرار بگیرد یا به بورس اوراق بهادار تزریق شده و اقتصاد ملی را رونق ببخشد، از این چرخه خارج شده و در اختیار دولت قرار می‌گیرد تا هزینه کند و تازه آثار مثبت این هزینه هم ناپیدا باشد.

۶. وزیر محترم از صرفه‌جویی و ضرورت کاستن از هزینه‌های دولت می‌گوید و اینکه این اقدام هزینه سیاسی برای دولت دارد. اصل مآل‌اندیشی ایجاب می‌کند که دولت این صرفه‌جویی‌ها را به‌گونه‌ای انجام دهد که کمترین هزینه سیاسی را به دنبال دارد. درواقع این اصل جزء معدود اصولی است که در دهه‌های گذشته به‌خوبی موردتوجه دولتمردان بوده و با دقت اجرا شده است! دولت برای صرفه‌جویی و کاستن از هزینه‌ها، سرفصل‌هایی را از هزینه‌ها حذف کرده که ذی‌نفعانش تریبونی برای دفاع از منافع خود نداشته‌اند و بدین ترتیب کمترین هزینه را به دولت تحمیل کرده‌اند. در مقابل گروه‌های قدرتمند برخوردار از عطایای دولت هرگز فشاری را از محل صرفه‌جویی دولتی تحمل نکرده‌اند. بارزترین مصداق این امر، برخورد دوگانه با بودجه سازمان‌ها و دستگاه‌های عمومی است. رشد بودجه سالانه این نهادها به‌خوبی نشان‌دهنده قدرت تأثیرگذاری آنها در تصمیمات دولت است.

در پایان باید گفت درمان سریع بیماری کسری بودجه بسیار ضروری است، اما این درمان زمانی ممکن خواهد شد که دولت حاضر به برداشتن دو گام ضروری در همان ابتدای راه باشد: گام اول تجمیع همه درآمدهای عمومی در خزانه دولت و حذف سرفصل‌های غیرضرور و نامرتبط از هزینه‌هاست. پرداخت ارقام بزرگ به مؤسسات ریز و درشت مدعی فعالیت فرهنگی که البته اثربخشی چندانی هم ندارند، از این جمله است. در گام دوم دولت در میدان صرفه‌جویی و کاستن از هزینه‌ها باید به جای مآل‌اندیشی مرسوم و توجه به هزینه سیاسی تحمیلی، به آثار این اقدامات بر بهبود وضع معیشت مردم و کاستن از ابعاد فقر توجه کند، حتی اگر ذی‌نفعان این سیاست تریبونی برای بیان نظراتشان و قدرتی برای دفاع از منافعشان نداشته باشند و به بیان دیگر نتوانند هزینه سیاسی متوجه دولت کنند، همان‌گونه که رئیس دولت چهاردهم بارها قریب به این مضمون گفته است که دولت او باید صدای بی‌صدایان باشد، حال اگر دولت حاضر به برداشتن این دو گام مهم باشد، می‌توان درباره گام‌های بعدی سخن گفت.

برگزیده‌ها

بابک زنجانی، پس از رهایی از اعدام دوباره به اقتصاد ایران بازگشته است

علیه نظارت

۴

گردهمایی شی جین‌پینگ، پوتین و مودی زیر سایه واشنگتن

تیانجین؛ صحنه قدرت‌نمایی پکن

۵

آیا تندروهای مجلس به دنبال بازکردن مشت ایران در مقابل طرف غربی هستند؟

تبعات طرح سه‌فوریتی خروج از NPT

۳

گزارش «شرق» از یک آزمون استخدامی پرحاشیه دیگر؛ این‌بار شرایط جذب در آموزش و پرورش عامل اعتراض و تجمع شد

مجردها معلم نمی‌شوند

۸

نارضایتی قلعه‌نویی از حضور در تورنمنت کافا

تیم ملی نیازمند تدارک مناسب است

۹

نگاه

دماوند منبع انرژی زمین‌گرمایی است

یادداشتی از مهدی زارع

۱۲

به‌مناسبت هفته دولت

هدیه‌ای از جنس نقد(۶)

سیدمحمدعلی ابطحی

جناب آقای خطیب، وزیر محترم اطلاعات، احتمالا این روزها و پس از جنگ، زیر فشار افکار عمومی و خصوصی هستید. گلایه‌ها برای چند نکته است:

۱- وجود نفوذی‌ها که به تواتر اصل آن ثابت شده است. نفوذی‌ها برای اینکه بتوانند نفوذ کنند، در قالب و هیئت مورد قبول سیستم قرار می‌گیرند، همچنان که بارها با آنان برخورد کرده‌اید. متأسفانه سال‌هاست به‌صورت جدی بر مجموعه‌های داخلی که اختلاف‌نظر سیاسی دارند، خیمه زده‌اند.

۲- قدرت اطلاعاتی دشمنان را نمی‌شود دست‌کم گرفت. در جنگ ظالمانه اخیر و ترور فرماندهان و دانشمندان، خسارت بزرگی زدند. این به معنای دست‌کم‌گرفتن قدرت اطلاعاتی ایران نیست. در منطقه سال‌هاست به دستگاه‌های اطلاعاتی ایران به‌عنوان یکی از قوی‌ترین‌ها نگاه می‌شود. توانایی دارید. اولویت‌بندی شما باید تغییر کند.

۳- شما و همکارانتان بهتر می‌دانید جمع‌آوری اطلاعات برای تحقق امنیت است. باید با آنها که با اطلاعات کوچک و بزرگ، امنیت را هدف می‌گیرند، برخورد شود. فعالان سیاسی و ناقدان دلخور نباید در زندان بمانند. هرچه تلاش کنید حجم زندانیان سیاسی و امنیتی را کم کنید، نمره موفقیت‌تان بالاتر می‌رود.

ادامه در صفحه ۲

سرکار خانم انوشه دربندی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم، برای آن مرحوم غفران و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.

روزنامه شرق